

فیلم تئاتر «پپچه‌های پشت خط نبرد»

روزی که در جبهه مناظره می‌کردیم



احسان زور عالم

چندی است مجموعه آثار اشکان خیل نژاد در سایت تیوال به صورت VOD منتشر شده‌اند. یکی از شاخص‌ترین این آثار «پپچه‌های پشت خط نبرد» نوشته علیرضا نادری است، نمایشی که نوشته شدن آن منجر به تغییراتی نسبت به تئاتر موسوم به دفاع مقدس شد و نگاه شعاری حاکم بر این نوع نوشتار را دستخوش تکانه‌های محتوایی کرد. نمایش داستان شخصیتی به نام علیرضا است که با جنگ مشکل فکری پیدا کرده است. او دوست دارد بداند برای چه می‌جنگد و این جنگیدن چه سرانجامی دارد. این وضعیت زمانی بفرنجی می‌شود که شایعه صلح میان ایران و عراق در سال ۱۳۶۰ پس از شکست حصر آبادان مطرح می‌شود و آتش بس میان دو نیرو و شکل می‌گیرد؛ اما در نهایت گردان علیرضا در عملیات ناگهانی به شهادت می‌رسند و تنها پرویز، سرباز ناتوی گردان است که با ترنند هایش موفق به گرفتن مرخصی و زنده ماندن می‌شود.

درام جنگی همواره جذاب بوده است. همواره هنرمند، در مقام جنبه لطیف بشریت، در تضاد با جهان پر خشونت جنگ وارد می‌گردد. لب به مذمت می‌گشاید و آن را به یاد می‌گیرد. شاید نمایشنامه‌های برشت معیار جذابی در این باره باشند. تئاتر بزرگ آلمان در میانه دو جنگ جهانی تصویری از جنگ ارائه می‌دهد که با آنچه وطن پرستی ناسیونالیستی می‌دانیم در تضاد است.

دیگران نیز چنین بودند. در زمانه‌ای که سینما تصاویر قهرمانانه‌ای از مبارزه سربازان در جبهه‌های غرب را به نمایش می‌گذاشت، تئاتر از مخاطب می‌پرسید چرا جنگ. جنگ برای هنرمند تئاتر امری غیر قابل‌درک بود. امری بود که جهانش را به آتش کشیده بود و از وجه اندیشه‌ورانه هنرش فاصله داشت. او نمی‌توانست کشتن و کشته شدن را به تصویر بکشد و بگوید خوب است.

علیرضا نادری نیز در چنین موقعیتی دست به قلم می‌شود. او جنگ را تجربه، دیده و لمس کرده است. او مفهوم آتش، حمله و شکست را درک کرده است. او جان دادن رفیق در آغوش و هم جنگ را چشیده است. او تلخ‌ترین وضعیت جنگ را مکاشفه کرده است و آنچه روی صحنه به

تصویر می‌کشد، پرسش‌هایی است که هیچ‌گاه به او پاسخ نداده‌اند.

«پپچه‌های پشت خط نبرد» مهمترین متن علیرضا نادری در میان آثار جنگی اوست. آثاری که تصویری شخصی و بی‌پرده از جنگ به مخاطب عرضه می‌کند. درام نادری خبری از رجز خوانی و آه و ناله‌های حاجی و سید نیست. برخلاف بخش عمده‌ای از آثار نمایشی درام جنگی ایرانی که بستر داستان در میان بسیجیان سپری می‌شود، نادری جهان اثرش را به میان سربازان ارتش می‌برد. سرباز در جنگ هشت‌ساله معنی دو گانه‌ای دارد. از یک سو با شخصیت‌هایی روبه‌رویم که عامل حضورشان در جبهه اجبار است و نادری این مهم را بی‌پرده بیان می‌کند. در کنار نیروهایی چنین شخصیت‌های داوطلب نیز به تصویر کشیده می‌شود. داوطلب‌ها از طبقه مذهبی تپیکال نیستند. داوطلب از یک چپی دوآتشه است. نادری ایایی ندارد. نشان دهد جبهه محل تضارب آراست، جایی که در آن یک چپی با یک مذهبی در باب اسرائیل چانه‌زنی می‌کنند و در نهایت حکم یک سرباز بهبودی است.

«پپچه‌های پشت خط نبرد» یکی از صریح‌ترین متون نمایشی ایرانی است. با نگاهی

به آثار پیش از نسادری می‌توان گفت نادری محصول مبارزه امثال ساعدی در شکستن نمادها و جهان انتزاعی ادبیات ایران است. او از ساعدی پیشی می‌گیرد. او سراسر است. شروع نمایش خود در الحظه‌ای از یک آتش‌بس تعیین می‌کند و سربازان از این می‌گویند که جنگ در حال پایان گرفتن است، آن هم جنگی که می‌دانیم قرار است ادامه پیدا کند.

نادری این پرسش را مطرح می‌کند که جنگ برای چه ادامه پیدا کرده است؛ در حالی که او و رفقایش در انتظار بازگشت هستند. این بازگشت نیز در شکل مرخصی نمود پیدا می‌کند. از قضای این شخصیت علیرضا - که به احتمال قوی خود نادری است - کسی است که مرخصی خود را به تعویق می‌اندازد. این تعویق آرام آرام به یک مرگ آگاهی منجر می‌شود؛ آن هم وقتی علیرضا نمی‌تواند در یابد که چرا جنگ ادامه پیدا می‌کند.

پس درام نادری یک پرسش دارد؛ چیزی که عمده درام‌های جنگی ایرانی از آن بری هستند. نمونه‌های بسیاری می‌توان نام برد که هدف از نمایش صرفاً به تصویر کشیدن جوانی پاک‌سیما و رسیدن به زمان شهادت است. درام جنگی جایی می‌شود برای مرثیه‌سرایي که در آن قهرمان در نهایت شهید می‌شود تا به بالاترین و والاترین درجات ماورایی دست یابد. در «پپچه‌های پشت خط نبرد» چنین نیست. ما شهادتی نمی‌بینیم؛ اگر چه تمام شخصیت‌ها - منهای یک نفر - به شهادت می‌رسند. در «پپچه‌های پشت خط نبرد» شهادت در میانه رخ می‌دهد، زمانی که برای علیرضا مرگ مسجل می‌شود. این نخستین بار است که شخصیت قهرمان جنگ در درام ایرانی به مرگ می‌اندیشد و حتی ترس را نیز مزه مزه می‌کند.

حال گامی به پیش داشته باشسیم. یک کارگردان جوان با تعدادی جوان دیگر به سراغ متنی می‌روند که از اجراش کمتر از ۲۰ سال گذشته است. آنان متن نادری را دوباره احیا می‌کنند. خاطره عجیب جماعت تئاتر بین در دهه ۷۰ دیدن فرهاد اصلانی در نقش علیرضا کماکان نقل مجالس تئاتر بین‌های قدیمی است. این بار اما نقش علیرضا عسبان گر به دوش باز یگری است که خواسته یا ناخواسته تصویری از عسبان شده است.

کمی به عقب‌تر بازگردیم. سال ۱۳۹۱، تالار بزرگ مولوی. «پپچه‌های پشت خط نبرد» با مجموعه هنرمندان کنونی روی صحنه می‌رود. نمایش به سبب اجرای مجدد نمایشنامه‌ای محبوب سرزبان‌ها می‌افتد و گویی تابویی شکسته شده است. مخاطب جوانان دانشجویی که پاتوق تئاتریشان مولوی است. نمایش دو و نیم ساعته محبوب می‌شود. بازگشتش که دوستان دانشجویان حاضر در سالن است به این می‌اندیشند که چرا جنگ در اوایل دهه شصت تمام نمی‌شود. آنان برای دیدن بازیگران پایه سالن نمی‌گذارند. آنان در پی یافتن پاسخ نادری به این پرسش هستند. اینکه چرا علیرضا در سپاهی شب به سوی سنگر ایرانیان سنگ پر تاب می‌کند و شائبه حمله عراقی‌ها را دامن می‌زند.

آن روزها در مواجهه با نمایش و البته بازی تأثیرگذار گروه نمایش، مخاطب در فکر فرو می‌رفت. برخلاف نمونه‌های آن روز نمایش‌های موسوم به دفاع مقدسی، کسی اشک نمی‌ریخت. آنان با پرسش از سالن خارج می‌شدند. از اینکه آیا جبهه مجموعه‌ای از شخصیت‌های نامتجانس بوده است. به یاد داشته باشیم که نادری متن «پپچه‌های پشت خط نبرد» را پیش از فیلم‌های به‌ظاهر تابوشکن نوشته است.

پرسش نادری درباره روایت‌های پایان یافتن جنگ در سال ۱۳۶۰ کماکان مطرح است. این روزها برخی مورخان جنگ مدام درباره اتفاقات در جریان و اختلافات میان فرماندهان جنگ سخن می‌گویند. ولی ما در مقام مخاطب اکنون با یک مسأله مهم‌رو به‌رویم که روایت علیرضا نادری با دو دهه فاصله گرفتن از شرایط دهه ۷۰ تا چه میزان می‌تواند مقوم روایت‌های تازه باشد.

آیا متن علیرضا نادری ایسن روزها می‌تواند یک رویکرد تاریخی داشته باشد؟ از این منظر درام جنگی علیرضا نادری دیگر چنین جذابیتی ندارد. این فقدان جذابیت از متن و اجرا نیست؛ بلکه از بسستر تاریخی مخاطب برمی‌خیزد. نخست آنکه مخاطب کنج‌کاوا بدست‌رسی به داده‌ها و اطلاعات تازه برایش تاحدودی موضوع پایان جنگ در آن سال هاروشن شده است تا جایی که دیگر نمایش نادری در برابر گفته‌های افسرادی چون جعفر

نمایش نادری در برابر گفته‌های مورخان امروز جنگ محافظه‌کارانه به نظر می‌آید؛ اما این محافظه‌کاری صرفاً محصول نگرش هم‌زمانی است. نمایش در زمان اجرای اولیه‌اش پرسرو صدا و پردر دسر بود. برخی مخالف اجرایش بودند و برای روی صحنه رفتنش کار شکنی‌ها کردند. نکته دوم هدف مخاطب است. آنان دیگر برای دیدن مکاشفه چند جوان در باب جنگ نمایش را نمی‌بینند. برای آنان نادری - که در اوایل دهه ۹۰ در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد و محبوب جمع بود - محلی از اعراب ندارد. برای آنان مهم نیست که گروه بازیگری پیش‌رو همه دانش‌آموختگان تئاتر هستند و از بستر اجراهای دانشجویی بیرون آمده‌اند. برای آنان نوید محمدزاده مهم است، به خصوص این نسخه که در سال ۱۳۹۶ تهیه شده است.

با قیاس میان دو نسخه اشکان خیل نژاد نمایش همان است. انرژی بازیگران همان است. میزانشن همان است و حتی پویاتر و کنش‌مندتر؛ ولی اتمسفر چیز دیگری است. خبری از مردمان پرسشگر نیست. برای عموم اینان جنگ مهم نیست. برخلاف دانشجویان دهه‌شصتی که جنگ به عنوان یک وقعه در زندگی - آن هم زندگی کودکی - یک مسأله است، برای مخاطب امروز جنگ هیچ معنایی ندارد. جنگ تصویری برای مخاطب ندارد. یک جهان با سلبریتی‌هایش، جایی که نادری در متنش با آن می‌جنگد. جایی که علیرضا با تمام زیبایی‌هایش یک بشر مملو از خطاست، خطاهایی که خود بیان می‌کند. خطای ندانستن و از همین روست که در پی پاسخی برای این پرسش است. عمده مخاطبان امروز از «پپچه‌های پشت خط نبرد» پرسشی ندارند. آنان در گوش کناری خود بیچ می‌کنند و در تمنای آنند که با نوید عکسی بگیرند. نوید می‌گیرد و از مرگ سخن می‌گوید. این کجاسیر می‌کند و آن کجا!!!

گزارش

تبریزی هادر نامه‌ای به رئیس جمهور به وضعیت فرهنگی استان اعتراض کردند

یک نامه سرگشاده و دو نکته مستتر

احسان صرامی

هشتم تیرماه، جمعی از مهمترین چهره‌های هنری شهر تبریز و استان آذربایجان شرقی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به حسن روحانی، ریاست جمهوری کشور، خواهان بررسی وضعیت مدیریت فرهنگی ارشاد این استان شدند. در حالی که رویه تغییرات در مدیریت کل اداره استانی با وزیر است، هنرمندان تبریزی پس از گذشت چهار سال به مدیریت محمد محمدپور معترض شده‌اند. محمدپور خود از اهالی استان آذربایجان شرقی است و در رشته روانشناسی عمومی تحصیل کرده است؛ اما این روزها نتوانسته است وضعیت سخت هنرمندان استان متبوعش را کنترل کند.

در نامه هنرمندان آذربایجان شرقی آمده است: «بی‌مبالغه آذربایجان از دیرباز مهد فرهنگ و هنر و ادب بوده و در طول تاریخ مردان و زنانی ادیب و هنرمند را در دامان خود پرورانده است. لیکن در سال‌های اخیر اهالی فرهنگ و ادب و هنر تبریز با بی‌مهری و رفتارهای غیرمسئولانه مدیران استانی روبه‌رو و دل‌سرد گشته‌اند. وضعیت نامعلوم بازسازی تئاتر شهر تبریز، بستن موزه مشاغل توسط شهرداری تبریز که به همت استاد سربازی جمع‌آوری شده بود، بازگرداندن آثار ناب هنری استاد جدیدالاسلام با ماشین زباله و پاکبان توسط شهرداری تبریز و جدیداً اقدام به تعطیلی خانه هنر تبریز به بهانه اختلاف شهرداری تبریز و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی و تعطیلی موزه کارتون تبریز و سالن تئاتر واقع در مجموعه خانه هنر، عدم تخصیص بودجه‌های مناسب از سوی متولیان استان برای فعالیتهای هنری نمونه‌ای از

این رفتارهای مغایر بارش و تولیدات فرهنگ و ادب و هنر مسئولان استانی است. ناگزیر امضاکنندگان زیر جمعی از فعالان دغدغه‌مند عرصه فرهنگ و هنر استان آذربایجان شرقی درخواست دیدار با حضرت تعالی یا یکی از مسئولان بلند پایه دولت برای رسیدگی به برخی بی‌مسئولیتی‌های نهادهای استانی در قبال فرهنگ و هنر استان را داریم.»

تعمیم یا تقلیل؟!

نکته قابل توجه این نامه در دو مسأله مستتر است. نخست آنکه این هنرمندان نامی از محمدپور در مقام مسئول اتفاقات ناگوار فوق نمی‌برند. حتی نامی از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی هم نمی‌برند. آنان همه چیز را به عبارت «مسئولان استانی» تقلیل داده‌اند؛ چرا که از دید این هنرمندان شخص محمدپور به تنهایی مسبب وضعیت کنونی نیست. هنرمندان با اشاره به رفتار شهرداری تبریز با موزه کارتون و آثار استاد جدیدالاسلام، نوک پیکان خود را به سوی مدیریت وسیع‌تری از جامعه درگیر نشانه می‌گیرند. این در حالی است که در طول چند سال گذشته مسئولان تبریز و استان آذربایجان شرقی مدام از جایگاه فرهنگ و هنری این استان یاد می‌کنند و از برنامه‌های کلانی سخن گفته‌اند که امروز هنرمندان با عدم تحقیقش روبه‌رو شده‌اند.

نومیدی از وزیر و وزارتخانه متغیر

موضوع دوم آنکه هنرمندان به هیچ عنوان امیدی به وزارت ارشاد و شخص وزیر ندارند. آنان مستقیماً خواهان مواجهه ریاست جمهوری با موضوع شده‌اند. علت این نومیدی نسبت به وزیر ارشاد نتیجه رفتار متغیرانه وزارتخانه است. در حالی که طی یک سال گذشته بارها

هنرمندان اعتراض خود را نسبت به وضعیت سخت‌افزاری و شیوه تخصیص بودجه‌های فرهنگی در استان آذربایجان شرقی اعلام داشته‌اند، شاهد هیچ واکنشی از سوی پایتخت نبوده‌اند.

وضعیت زمانی جذاب‌تری می‌شود که با وجود شعارهایی مبنی بر واگذاری عرصه‌های فرهنگی به هنرمندان و بخش خصوصی، به نظر می‌رسد مدیران این استان تمایلی به موفقیت بخش خصوصی ندارند. نمونه بارزش را می‌توان در مناقضه مجموعه ۲۹ بهمن تبریز مشاهده کرد جایی که محمدپور با وجود قوانین روشن در حوزه برگزاری مناقضه شرایط را برای بخش خصوصی سخت می‌کند و با وجود شرایط با اقتصاد فرهنگی قیمت‌ها را تا پنج برابر افزایش داده است. این در حالی است که با تعمیرات مهم تئاتر شهر، مجموعه ۲۹ بهمن تنها مأمن هنرمندان تئاتر بوده است. حال‌در این میانه هم بخش خصوصی متضرر شده و هم هنرمندان.

تلاش برای تحکیم موقعیت خصولتی‌ها

با توجه به رفتارهای سخت‌گیرانه محمدپور با بخش خصوصی، او در مورد بخش‌های خصولتی رفتاری متفاوت دارد. برای مثال در هشتم خرداد سال جاری، آقای محمدپور در جلسه شورای شهر تبریز حاضر می‌شود تا از طرح ساماندهی و توسعه فضاهای فرهنگی شهر تبریز به مؤسسه توسعه فرهنگ و هنر دفاع کند. مؤسسه توسعه فرهنگ و هنر که به ظاهر بخش خصوصی است از زیر مجموعه‌های وزارت ارشاد است و مدیر عامل آن، عارف‌نیا با حکم وزیر ارشاد تعیین می‌شود. به عبارتی محمدپور به جای حمایت از بخش خصوصی حقیقی، در تلاش برای تحکیم موقعیت بخش خصولتی می‌کند. هر چند در پی مخالفت اعضای شورا، محمدپور طبق گزارش رسانه‌های استانی جلسه را به قهر ترک می‌کند. چنین حمایت عجیبی در سایه وجود نهادهای خصوصی چون بنیاد فرهنگ و هنر و ادب



تبریز منعقد می‌شود تا اطلس فرهنگی استان آذربایجان شرقی تدوین شود.

حال به نظر می‌رسد رویکردهای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی و مشخص شدن الویت رابطه بر ضابطه هنرمندان را خشمگین و معترض ساخته است. هنرمندانی که در این ایام نه تئاتر شهر دارند و نه فضای فرهنگی متناسب با خواسته‌هایشان و نه بودجه‌ای روشن برای فعالیت فرهنگی. تبریز که زمانی دروازه ورود مدرنیته به ایران به حساب می‌آمد و مدیرانش مدام از تبدیل شدن این شهر به مرکز فرهنگی قفقاز می‌گویند، وضعیتی قابل توجه ندارد. نه توانایی میزبانی از یک رویداد فرهنگی بزرگ دارد - با اینکه توقع آن است که تبریز چنین ظرفیتی داشته باشد - و نه امیدی به این مسأله. حال باید دید نامه هنرمندان یکی از استان‌های شاخص کشور یا چه واکنشی از سوی حسن روحانی، رئیس جمهوری کشور روبه‌رو می‌شود.

آذربایجان یا انجمن مؤسسات فرهنگی و هنری تبریز است که رابطه حسنه‌ای با هنرمندان دارند. شنیده‌ها حاکی است تمامی پروژه‌های مالی با اقدام قابل توجه توسط بخش خصوصی زیر مجموعه ارشاد صورت می‌گیرد.

اولویت روابط بر ضوابط

حتی استنادی در دست است که بین تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۹۶ تا ۳۱ فروردین ۱۳۹۷، به عبارتی در یک بازه زمانی سه‌ماهه قراردادهایی با اقدام قابل توجه در حوزه پژوهش با شخصیت‌های نزدیک با مدیر ارشاد استان منعقد شده است. پژوهش‌هایی که در علی‌الظاهر در بازه سه‌ماهه قابل ارائه نبوده‌اند. نکته جالب این قراردادها آن است که تمام آنها با نظارت دکتر اسکندر فتحی آذر، استاد روانشناسی دانشگاه تبریز سپرده شده است؛ اما در جستجوهایمان نشانی از به سامان رسیدن این طرح‌ها نمی‌یابیم. برای مثال قراردادی به مبلغ ۴۰ میلیون تومان با عزیز جوانپور، رئیس فعلی دانشگاه آزاد اسلامی